



Persian Research Journal

2021

Editor

Dr. Mehtab Jahan

Department of Persian
University of Delhi
Delhi- INDIA
ISSN: 2395-3667



مجله تحقیقات فارسی

۲۰۲۱

ویراستار

دکتر مهتاب جهان

بخش فارسی دانشگاه دهلی
هند

ISSN: 2395-3667



© حق چاپ برای ریاست بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی محفوظ است

مجله تحقیقات فارسی

ویراستار: دکتر مهتاب جهان

سر دبیر: پروفیسور راجندر گمار (مدیر، بخش فارسی)

هیات ویراستاری: پروفیسور چندر شیکهر

پروفیسور علیم اشرف خان

دکتر علی اکبر شاه

مشاوران علمی این شماره: پروفیسور سید محمد اصغر، پروفیسور حسن عباس،

پروفیسور مسعود انور علوی، پروفیسور حسنین اختر،

دکتر صالحه رشید

ناشر: بخش فارسی، دانشگاه دهلی، دهلی، هند

۹۱-۱۱۰-۲۷۶۶۶۶۲۳

سال: ۲۰۲۱

بها: ۳۰۰ روپیه یا معادل آن

صفحه آرایی: دکتر خورشید احمد

ISSN: ۲۳۹۵-۳۶۶۷

مقاله های چاپ شده در این مجله، معرف آرای نویسندگان آن است و الزاما
نظر هیات ویراستار مجله نیست.

نگاهی اجمالی به احوال و فن شعری مولانا خاموش کریری

دکتر منظور حسن گدا^۱

دکتر محمد رضوان^۲

چکیده:

سرزمین کشمیر به نام های گوناگون مانند ایران صغیر، ریش وار، پیر وار و غیره معروف است. از همان وقت که دره کشمیر از اسلام سرشار شد، زبان و ادبیات فارسی هم رواج و رشد یافت. این سرزمین همیشه از اولیاء، صوفیاء، علماء و عرفاء پُر بود و در عصر حاضر صدها علماء و عرفاء در سرزمین کشمیر وجود دارند. از این همه سید عبدالجبار خاموش یک عالم، عارف و شاعر برجسته است. او همیشه در صنف نظم و نثر مسائل دینی، اوصاف نبوی و آل نبوی آرایه نمود. علاوه بر آن سید عبدالجبار در هر صنف سخن طبع آزمائی کرد.

واژه کلیدی: کشمیر، فارسی، خاموش.

احوال خاموش:

سید عبدالجبار خاموش کریری از شاعران فارسی سرای قرن بیستم میلادی می باشد. نام اصلی وی سید عبدالجبار و تخلص او خاموش بود. وی در سال

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مولانا آزاد اردو، حیدرآباد،

هند، manzoorhassan1994@gmail.com

^۲ بخش فارسی، دانشگاه مولانا آزاد اردو، حیدرآباد،

۱۹۱۲ میلادی برابر با ۱۳۳۰ هجری قمری در شمال کشمیر کریر^۱، بارهموله متولد شد. وی درباره ولادت خود اینگونه می سراید:

مهمان چند روزم در دیر بی قراری دنیای دون ندارد قانون پایداری
سال ولادت خود رقم کردم به تحقیق یعنی ز خاطر خوش جبار شاه بخاری

(خاموش، سید عبدالجبار، نسخه خطی، شجره المراد، ص ۲۹ غیر مطبوعه.)

خاموش کریری درباره خود زندگی نامه ای نوشته است و از نوشته های او و آثارش می توان دریافت که نام جدش سید عزیزالله بن خلیل الله^۲ است. وی تحصیل ابتدایی خود را نزد پدرش گذراند. علاوه بر یادگیری قرآن کریم به یادگیری زبان فارسی و عربی نیز همت گماشت و در آن چیره دست شد. خاموش کریری از سید عنایت الله^۳ بخاری زبان فارسی فرا گرفت. وی بیست سال داشت که به سلسله کبروی ملحق شد و شاگرد و مرید غلام محمد شاه شد.

تخلص:

در باره فلسفه تخلص خاموش علتی ذکر شده که روزی به مصلاً (عیدگاه) سرینگر برای سخنرانی رفت و ایشان موضوع خود با آیه ۱۱۰ سوره کهف^۴ قرآن شروع کرد. یعنی بگو من هم مثل شما بشری هستم و به من وحی می

^۱ کریر جای تولد خاموش است که در شمال کشمیر وجود دارد.

^۲ سید عبدالجبار بن سید محمد بن سید عزیزالله بن سید خلیل الله بن شریف الله بن محمد

سلطان بن حمیدالله بن اسدالله بن عبدالکریم

^۳ استاد خاموش بود.

^۴ قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهمکم واحد فمن کان یرجوا لقاء ربہ فلیعمل عملاً

صالحاً ولا یشرک بعبادة ربہ احداً

شود که خدای شما خدای یگانه است. پس هرکس که به لقاء پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند. یعنی پیامبر آخر زمان حضرت محمد مصطفی (ص) بشر بود. لذا کسانی که در جلسه خاموش سخنان خاموش را گوش می دادند و از مخالفان خاموش بودند عصبانی شده بر او حمله کردند و خاموش به سختی خودش را نجات داد. بعد از آن واقعه خاموش سکوت را اختیار کرد. لذا تخلص خود را خاموش اختیار کرد. در این ضمن می نویسد:

خاموشِ بَهِیِ هوں گویا بَهِیِ هوں باهوشِ کاجویا بَهِیِ هوں
یہ کیفیت کچھ اور ہے بیدار بَهِیِ هوں اور سویا بَهِیِ هوں

(خاموش، سید عبدالجبار، آئینه حالات زمانه، ص (س)).

ایضا.....

کسبِ گویا کسبِ خاموشِ بَهِیِ هوں کسبِ مست اور کسبِ باهوشِ بَهِیِ هوں
کسبِ بیزار هوں اس زندگی سے کسبِ مصروف نای و نوشِ بَهِیِ هوں

(خاموش، سید عبدالجبار، آئینه حالات زمانه، ص ۲۲)

پدر و مادر:

نام پدرش غلام محمد شاه بخاری و نام مادرش سیده مهر النساء بیگم بود. پدرش استاد زبان فارسی و عربی بود. علامه خاموش پیش پدر خود قرآن کریم، گلستان و بوستان، پنج گنج نظامی، کریمناحقی و کتابهای دیگر را خواند. چون پدر خاموش عارف و صوفی بود و هر ساعت عرفای دیگر در خانه اش تشریف می آوردند و خاموش هم از ایشان استفاده می کرد. از میان این عرفا

می توان به حضرت مولانا محی الدین خان صاحب نهالپوری^۱ و حضرت رستم^۲ صاحب کاوچک^۳ اشاره کرد.

خاموش درباره وفات پدر خود اینگونه می نویسد:

تاریخ وفات سید محمد ابن سید عزیزالله بن سید خلیل الله صاحب کریری که بر سنگ تربت متوفی مذکور نیز کننیده است از طبعزاد راقم الحروف

(خاموش)

شاه سید محمد ذی هوش

حسرتا رفت والد خاموش

آه برکش بگو هوالمغفور " ۱۳۶۲ هـ

بهر حال وصال آن برو

(خاموش، سید عبدالجبار، نسخه خطی، شجرة المراد، ص ۱۵۱ غیر مطبوعه)

یعنی از این ابیات بر می آید که پدر خاموش در سال ۱۳۶۲ هجری بمطابق

۱۹۴۳ میلادی فوت شده است. در آن زمان خاموش ۳۲ سال داشت.

درباره وفات مادر اینطور می نویسد:

نوش کرد آنکه در جهان آمد

ایدریغا من علیها فان

از چپ و راست در میان آمد

وای بر ما که منظر محشر

رعشه ام زان به جسم و جان آمد

صور گویا دمید اسرافیل

روح پاکش بر آسمان آمد

یعنی شد مادرم نهان بزم

بارخ زرد درفغان آمد

این دل و جان بدرد فرقت او

ضرب تیغم چون این بجان آمد

یوم ثلثا و هفتهم شعبان

^۱ عالم، فاضل و صاحب کرامات بود.

^۲ حضرت رستم به مادر خاموش درباره تولد خاموش پیش نهاد داد و اسم خاموش هم

انتخاب نمود

^۳ کاوچک اسم دهکده ای که در شمال کشمیر قرار دارد.

از سرِ صدقِ سالِ ترحیل عطرالله مضجعها آم

(خاموش، سید عبدالجبار، نسخه خطی، شجره المراد، ص ۱۴۶ و ۱۴۷ غیر مطبوعه)

ایضاً

ظلّ مادر از سرم رفت ایدریغ ماه تابانم نهان شد زیر میغ

یوم ثلثا بود و سیوم از برات نیم بسمل چون شدم زین ضرب تیغ

بی سر جان سال وصلش غم شدید ویلتا یا ویحتا یا وا دریغ

(ایضاً.....ص ۱۴۹)

ایضاً

سه شنبه هفدهم ماه شعبان زدنیارفت آن مادر مهربان

ازاین دنیای فانی نقل کرده سوی دارالبقا رفته خرامان

دریغا داغِ دوری بر دلِ من نهاده زان دلم غمگین ونالان

خرد گفت سال نقلش بی سرعین سه شنبه هفدهم ماه شعبان ۱۳۵۵هـ

(ایضاً.....ص ۱۴۹ و ۱۵۰)

وفات خاموش:

سرانجام شاعر چهار لسان، ادیب خوش نویس، عالم ربانی، عارف کامل و

استاد فارسی در روز ششم رجب المرجب سال ۱۳۹۳ هجری بمطابق ۶

اگست ۱۹۷۳ میلادی روز دوشنبه درودبه جهان گفت. سید عبدالجبار شصت

و سه سال عمر کرد. ویژگی خاموش این است که این بزرگوار یک سال قبل

وفات درباره سال وفات خود در اشعار فارسی نوشت .

دار دنیا فانی است ای نیکخو تا توانی دل منه هرگز بپرو

قبله من شاه محمد از عزیز از خلیل الله همین فرزند او

سال نقل من کسی گر پرسیدت وای کش پس جنتی خاموشگو ۱۳۹۳هـ

عمر بینا یافتم از فضل حق جلوه او دیدم از چار سو

دارم امید از طفیل مصطفی (ص) عفو حق سازد مراهم سرخرو

(خاموش، سید عبدالجبار، آئینه حالات زمانه، ص ۹)

فن شعری خاموش:

سید عبدالجبار خاموش کریری ضمن اینکه صوفی منش و عالم دین متقی و پرهیز گار بود. درعین حال شاعر و ادیب بلند آوازه نیز بود. وی علاوه بر زبان فارسی در زبان کشمیری و اردو نیز شاعر موفق بوده و تقریباً در تمام اصناف ادبی از جمله غزل، مثنوی، مرثیه، رباعی و شهر آشوب نیز به طبع آزمایی پرداخته. وی تقریباً در هر سه زبان بیش از بیست و یک تصنیف دارد که شامل نظم و نثر است که از خود بیادگار گذاشته. همانگونه که گفته شد خاموش در تمام اصناف ادبی قلم فرسایی کرده و از میان آنها رباعی مورد علاقه او بود. تعداد رباعیات فارسی او کم است و از نظر عبارت خیلی ساده است ولی دازای معنای شگرف می باشند. با مطالعه رباعیات او می توان دریافت که قلب شاعر تحت تاثیر برخی مضامین بوده از جمله شکایت از گردش روزگار و عمرناچیز و نیز درباره دنیا که زندان انسان مومن است. در رباعیات خود در یک جا چنین می سراید:

ندانم چرخ را با من چه کینه است که هر دم بر من اندر کمین است

به حیرت بودم هاتف ندارد که دنیا قید و بند مومنین است

(خاموش، سید عبدالجبار، نسخه خطی، ص ۱۹۵)

خاموش کریری در فن رباعی ید بیضایی داشت به طوری که هم طراز شاعر مشهور کشمیری شاعر غلام رسول نازکی^۱ در توصیفش می گوید:

"رباعی در میان صنایع ادبی مشکل قالب شعر می باشد زیرا که باید تنها در چهار مصرع یک موضوع کامل را بیان کرد و این کار آسانی نیست. در نزد خاموش تا زمانی که طرز بیان و فن شاعری او کامل نمی شد رباعی او دلنشین نمی شد." (خاموش، سید عبدالجبار، آئینه حالات زمانه، مقدمه...)

خاموش رباعیات خود را در کشمیر جلا داد. رباعیات او معدن پند و نصایح بود. جایی که اکثر مردم در غفلت و لاعلمی و بد و خوب و گناه و ثواب و در نهایت مسئول اعمال خود در مقابل خداوند هستند. همین شاعر بلند پایه از خواب غفلت بیدار و از شروع زندگی با عمل به دستورات خداوند که در ظاهر یک مسئله ساده بود آغاز کرده بود و در قالب شعر آورده بود. اگر با دقت نگاه شود انعکاس تمام زندگی در اشعار او به چشم می خورد. به عبارت دیگر با خواندن اشعار و کلام خاموش دریچه عقل و دانش گشوده می شد. در همین باره چند رباعی ارایه می شود:

اگر عاقلی پرده کس مَدَر گرامی شوی در جهان همچو زر

محک را سیه روغمازی است که افشا کنید عیب یک بردگر

(خاموش، سید عبدالجبار، آئینه حالات زمانه، ص ۲۳۳)

سبک و شیوه هر یک از شاعران در اشعار شان نهفته است. با مطالعه و بررسی آثار و اشعار شاعران می توان به شیوه سرایش آنان پی برد. بیگمان

^۱ غلام رسول نازکی شاعر برجسته زبان فارسی است. وقتی علامه اقبال چشم از دنیا بست، او در فراقش اشعار گفت.

برای شناخت شیوہ شاعری سید عبدالجبار خاموش نیز باید در آثار وی تأمل کنیم. بہترین مآخذ برای بررسی سبک و شیوہ شاعری خاموش رباعیاتی است کہ از وی یادگار مانده است. با بررسی رباعیات خاموش از نظر صنائع شعری می توان تا حدود زیادی بہ سبک سرایش وی نیز در رباعی پی برد و شیوہ بیان او را دریافت. وقتی کہ بہ رباعیات خاموش مطالعہ می کنیم در می یابیم کہ خاموش بہ خوبی رباعیات خیام را مطالعہ کردہ بود و بہ روش خیام رباعی نوشتہ. مانند خیام می نویسد:

این یک دو سہ روزہ نوبت عمر گزشت
چون آب بہ جویبار و چون باد بہ دشت
ہر گز غم دو روز مرا یاد نگشت
روزی کہ نیامدہ است و پروزی کہ گزشت

(خاموش، سید عبدالجبار، آئینہ حالات زمانہ، ص ۲۲)

بہ ہمین روش خاموش می نویسد:

بیر کر گلشن کی نادان پانچ چھ دن ہے بہار
ہم نے دیکھا ہے غنیمت زندہ دل کی زندگی
بعد میں بچتاؤ گے گل جاوے رہ جاویگا خد
ہوش سے خاموش مرو نیک پر کر جان نثار

(خاموش، سید عبدالجبار، آئینہ حالات زمانہ، ص ۲۱۶)

ہمیں طور خیام می نویسد:

افسوس کہ نامہ جوانی طی شد
آن مرغ طرب کہ نام او بود شباب
و آن تازہ بہار زندگانی دی شد
افسون ندانم کہ کی آمد کی شد

(خیام، رباعیات، ص ۶۷)

خاموش:

ای ما جور عرب و عجم نیم نگاہی
افسوس کہ شد عمر عزیزم بملاہی
بر حال من موی سفید روی سیاہی
گمراہ شدم بہر حق بنا کنون راہی

(خاموش، سید عبدالجبار، نسخہ خطی، ص ۱۲۰) (در خانہ خاموش موجود است.)

ایضا..

یہ لڑکپن یہ جوانی نقش سا بر آب ہے جاگ ای نادان کہ دنیا ہی سراسر خواب ہے
زندگی چند روز ہے خاموش اس پر ناز کیا مرگ سے مجبور رستم بھی ہے اور سہراب ہے
(خاموش، سید عبدالجبار، آئینہ حالات زمانہ، ص ۲۱۷)

همچنین پیروی یکی از اشعار سعدی که در حکایت دهم گلستان معروف است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
(سعدی، گلستان، ص ۱۳۰)

خاموش اینطور می نویسد:

شاخ را تا با شجر پیوستگی ست سبز می ماند و می بیند بهار
چون جدا گردد ازو پس بیگمان خشک می گردد دمی افتد بنار
(خاموش، سید عبدالجبار، آئینہ حالات زمانہ، ص ۲۳۴)

ایضا....

تازه ماند گل بگلشن تا نمی گردد جدا چون زه گلشن شد جدا پژمرده گردد بیگمان
یکدمی خاموش دور از دودمان خود مباش • با ذوی الارحام کن التفات و خوش بمان •
(خاموش، سید عبدالجبار، آئینہ حالات زمانہ، ص ۲۳۹)

خاموش به خوبی شیوه سعدی را پیروی نمود و از روش سعدی همان طرز
در شعری بکار آورد. سعدی در باب "در زوال خلافت ہنی عباس" اینگونه می
نویسد:

آسمان را حق بود گر خون بگرید بر زمینبر زوال ملک مستعصم امیرالمؤمنین
(شیرازی، سعدی، مرثیہ)

ہمینطور سید عبدالجبار خاموش کریری بر ہمین روش و طرز دوبارہ شہدای
کربلا بہ اینگونہ می نویسند:

آسمان را حق بود گر خون بارد بر زمین زآنکہ در دنیا ندیدہ ظلم و ستم ایچنین

(خاموش، سید عبدالجبار، شہادت نامہ، ص ۴۰)

ہمانطور غزلیاتِ سید عبدالجبار خاموش چنین است کہ ہم خیالِ شاعر بزرگ
ایران حافظ شیرازی یافتہ می شود و معانی کہ حافظ شیرازی در شعر وارد
کردہ است در شعر خاموش نیز منعکس می شود. حافظ می نویسند:

واعظان کین جلوہ بر محراب و منبر می کنند چون بہ خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

مشکلی دارم زدانشمند محفل باز پرستوبہ فرمایان چرا خود تو بہ کمتر می کنند

(شبلی، شعر العجم، ص ۲۴۸)

خاموش در ہمین معانی می نویسند:

پیر گوید داستان باستان در بدر گردد پریشان در جهان

در گدائی چابک و عیار و مست خویش را سازد ذلیل و خوار و پست

دیگران را می نماید و عظم و پند خود نفہمد فرق اندر زہر و قند

(خاموش، سید عبدالجبار، نسخہ خطی، ص ۱۲۰)

حافظ در یکی از غزل خود می نویسند:

طایر گلشن قدسم چہ دہم شرح فراق کہ در این دامگہ حادثہ چون افتادم

(شیرازی، حافظ، غزلیات، ص ۳۱۷)

بر طبق ہمین روش خاموش در زبانِ اردو این رباعی می نویسند:

طایر تصویر ہوں خاموش اس گلشن میں کچھ تو مجبور ہوں اور کچھ تو ہوں آزاد ہی

ڈالتا ہے مجھکو غم میں بس یہ قفسِ عنصری دیکھتا ہوں آشیاں اپنا تو ہوں دل شاد ہی

(خاموش، سید عبدالجبار، آئینہ حالات زمانہ، ص ۲۱۵)

وی نه تنها احساسات و تجربیات خود را در قالب رباعی بیان کرده بلکه در قالبهای دیگری شعری نیز طبع آزمایی کرده است. که اهل علم هرگز این طبع آزمایی را فراموش نمی کنند. از زبان ایشان چند موضوع انتخاب شده است که در باره موضوعات مختلف زندگی را به ما معرفی می کند و همراه با خواندن آن از آن درس و عبرت میگیریم:

شهید بلخی^۱ شاعر قرن چهارم در یکی از رباعیات اینطور می نویسد و خاموش سبک آن را تقلید نموده:

اگر غم را چو آتش دود بودی	جهان تاریک بودی جاودانه
درین گیتی سراسر گر بگردی	خردمندی نیابی شادمانه

(شفق، رضا زاده، تاریخ ادبیات ایران، ص ۶۵)

خاموش:

چه خوش بودی اگر عمر را آوازپا بودی

که انسان رفتنش دیدی و یک لحظه نیاسودی

بله این زندگی چون شمع درسوزوگداز است آه

صدای سوزش این را کسی ای کاش بشنیدی

(خاموش، سید عبدالجبار، آئینه حالات زمانه، ص ۲۴۳)

نتیجه:

اگر چه خاموش کریری شعر گفتن به زبان فارسی را به طور سنتی روش کار خود قرار داد و سمت جدیدیت نرفت. لیکن در استفاده از اشعار موزون و علامات و اشارات به شدت از خود مهارت نشان داده است. در حالی که در

عصر حاضر اغلب شعرا و اهل علم به سمت زبان انگلیسی کشیده می شوند. لیکن خاموش کریری به سمت زبان فارسی جذب و به آن عشق می ورزید. خاموش همه موضوعات عشق و مستی، عاشق و محبوب و به حتی درباره کشمیر و اولیاء کشمیر هم در فن شعری آورد. علاوه بر آن خاموش رباعیات، مناجات، غزل و غیره را محدود به یک موضوع نگذاشت بلکه موضوع های گوناگون آورد. خاموش مثل خیام در رباعیات بیثباتی دنیا، مثل سعدی پند و نصائح و مثل حافظ شعر عشقیه نوشت.

منابع و مأخذ:

- ۱: تاریخ کشمیر از محمد دین فوق، چاپ کننده کشمیر بُک ٹیپو سرینگر، کشمیر، سال ۲۰۰۳
- ۲: آئینه حالات زمانه عرف رباعیات خاموش کریری، مطبوع، چاپ کننده سید محمد مقبول بخاری سال ۲۰۱۴.
- ۳: تاریخ ادبیات ایران از رضا زاده شفق، مترجم سید مبارز الدین رفعت، چاپ کننده کتب خانه خورشیدیه، اردو بازار لاهور پاکستان، ۲۰۱۱
- ۴: خیام از سید سلیمان ندوی، چاپ کننده دارالمصنفین، شبلی اکدمی، اعظم گر هند، ۱۹۹۹ء
- ۵: گلستان سعدی از سعدی شیرازی، چاپ کننده مکتبه ملت دیوبند، هند.
- ۶: شجره المراد از خاموش غیر مطبوعه در خانه سید عبدالجبار خاموش موجود است.